

کتاب الفین علامه حلی و نقد ترجمه های آن

رضا استادی

سال گذشته (۱۳۹۱)، یکی از ناشران قم ترجمه ای از کتاب الفین چاپ و نسخه ای به اینجانب اهداء کرد که با مطالعه اجمالی آن چند سطر به عنوان تأیید و سودمند بودن کتاب بنویسم تا در چاپ دوم آن، که گفته شد به همین زودی انجام خواهد گرفت، آورده شود.

اما با بررسی این ترجمه، لازم دانستم مطالبی را درباره الفین علامه (ره) و ترجمه های آن بنویسم و از آن ناشر محترم درخواست کنم که از تجدید چاپ آن ترجمه، به خاطر خدا صرف نظر کند و نیز از عزیزی که در حوزه علمیه قم به فکر ترجمه برخی از آثار هستند، تقاضا کنم که قدری تأمل کنند و شایستگی این کار را در خود احراز و آن گاه اقدام نمایند. در غیر این صورت ممکن است افزون بر اینکه از قدر خود می کاهند، موجب وهن حوزه گردند.

آن طور که از آغاز کتاب الفین برمی آید، قصد مؤلف این بوده که کتاب شامل مقدمه و دو مقاله و خاتمه باشد؛ اما آنچه در دست است فقط این عناوین را دارد: مقدمه که شامل هفت بحث است:

۱. ما الامام؛ ۲. امامت لطف است؛ ۳. مبادی بحث امامت؛ ۴. نصب امام لطف است؛ ۵. غیر امامت جایگزین آن نمی شود؛ ۶. وجوب نصب امام؛ ۷. شامل ۱۰۲۱ دلیل طبق برخی از نسخه ها و ۱۰۳۸ دلیل طبق نسخه های دیگر برای لزوم عصمت امام.

مؤلف در آغاز می گوید: پس از مقدمه هزار دلیل عقلی و نقلی بر اثبات امامت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و هزار دلیل بر ابطال شبهات مبطلان و نیز دلیلی هایی برای اثبات امامت سایر امامان (علیهم السلام) می آورم.

چکیده: یکی از تألیفات علامه حلی، کتاب الفین الفارق بین الصدق و المین است که به طور مستقل درباره امامت به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در نوشتار حاضر پس از بیان اطلاعاتی در خصوص محتوا و تاریخ های مختلف کتابت و نیز چاپ نسخه های این کتاب، از کتاب نورالعین فی ترجمه الفین یاد کرده و بخش هایی از این ترجمه را بیان می دارد. سپس در ادامه، دو ترجمه جدید از کتاب، تهیه شده توسط آقای وجدانی و آقای رحمتی شهرضا را مورد مذاقه قرار داده و با ارائه استدلال ها و شاهد مثال هایی از متن ترجمه شده آقای رحمتی، ترجمه وی را در بوته نقد و بررسی قرار می دهد. نویسنده پس از بیان نمونه هایی از غلط های ترجمه ای مندرج در کتاب، صورت صحیح ترجمه را نیز بیان می کند.

کلیدواژه: کتاب الفین الفارق بین الصدق و المین، علامه حلی، کتاب نورالعین فی ترجمه الفین، ترجمه کتاب الفین، نقد ترجمه های کتاب الفین، محمد رحمتی شهرضا، نقد کتاب.

حسن بن یوسف بن مطهر معروف به علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶) تألیفات فراوانی در رشته های فقه، اصول، تفسیر، حدیث، رجال، منطق، کلام، فلسفه و غیره دارد. از آثار ایشان تا کنون صدوبیست اثر شناسایی شده است. از این تعداد، حدود شصت کتاب و رساله هستند که نسخه های خطی در کتابخانه ها موجود می باشد و نیز حدود چهل عنوان آن چاپ شده است.^۱

در میان تألیفات او چند کتاب به طور مستقل درباره امامت است: کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین، منهاج الکرامه فی اثبات الامامة، نهج الحق و کشف الصدق و الفین الفارق بین الصدق و المین این چهار کتاب چاپ شده و هر چهار کتاب نیز ترجمه فارسی دارند.

۱. به کتاب مکتبه العلامة الحلی، تألیف محقق ارجمند مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی رجوع شود.

در کتاب مکتبه العلامة الحلی^۴ از چند نسخه تحریر شده هشتم یاد شده که با مراجعه به برخی از این نسخه ها معلوم شد، از سده هشتم نیست و گویا تاریخ تألیف یا تاریخ تحریر اشتباه شده است.

نسخه های خطی الفین در کتابخانه آستان قدس ملاحظه شد که تاریخ کتابت آنها به این شرح است:

- نسخه شماره ۲۸ مورخ ۹۸۴ق که ظاهراً «تسع» را برخی از عزیزان «سبع» خوانده و نوشته اند نسخه مورخ ۷۸۴ در کتابخانه آستان قدس است.

- نسخه شماره ۲۹ که مختصری نقص دارد و در پایان تاریخ کتابت ندارد؛ اما برخی همین نسخه را مورخ ۷۶۴ق دانسته اند که ظاهراً اشتباه است.

- نسخه شماره ۳۰ مورخ ۱۰۱۷ق می باشد و تقریباً نیمه دوم کتاب را دارد.

- نسخه شماره ۹۸۰۲۰ مورخ ۹۵۱ق.

- نسخه شماره ۱۱۱۹۴ مورخ ۱۰۹۲ق که از روی نسخه ای که مورخ ۹۸۸ق بوده نوشته شده است.

آنچه با دیدن نسخه ها نوشته شد همین ها بود؛ بنابراین در کتاب استاد عزیزمان مرحوم طباطبایی که ایشان هم پنج نسخه از آستان قدس معرفی کرده، چند اشتباه پیش آمده است. همچنین در جلد ۱۱ و جلد ۱ چاپ دوم فهرست آستان قدس، این پنج نسخه معرفی شده و چند اشتباه دیگر در آن رخ داده که یکی از آنها این است: نسخه پنجم را مورخ ۹۱۸ق و ۹۸۸ق دانسته اند با اینکه نسخه مورخ ۹۰۲ق از روی نسخه ۹۸۸ق است و تاریخ ۹۸۸ق دو جای نسخه هست که فهرست نویس محترم ۹۸۸ را در بعد از دلیل ۲۰۰، ۹۱۸ق خوانده است.

نسخه دوم از این نسخه ها با ۱۰۲۲ دلیل تمام نمی شود و بقیه دارد که البته ناقص مانده است. احتمالاً این نسخه مانند نسخه هایی بوده که ۱۰۳۸ دلیل دارند و نسخه های چاپی جزیک نسخه از روی نسخه های شامل ۱۰۳۸ دلیل چاپ شده و فقط یکی از چاپ ها از روی نسخه شامل ۱۰۲۲ دلیل چاپ شده است.

از نسخه هایی که از روی نسخه تحریریحیی فرزند فخرالمحققین نوشته شده به دست می آید که در نسخه او چند تاریخ بوده است: بعد از دلیل ۲۰۰ علامه نوشته است: هذا آخر الکلام فی الجزء الاول من کتاب الالفین ویتلوه فی الثانی المائة الثالثة من الادلة الدالة علی عصمة الائمة علیهم السلام. فرغ من تسویده مصنفه حسن بن یوسف... فی ۲۰ من ربیع الاول سنة ۷۰۹ ببلدة دینور.

سپس این عبارت آمده است: و فرغ من تبیضیه ولده محمد بن الحسن... فی ۶ جمادی الاولی لسنة ۷۲۶ بعد وفاة المصنف اعلی مقامه.

اما همان طور که گفته شد «آنچه در دست است، فقط در مبحث هفتم و در مقدمه ۱۰۲۱ یا ۱۰۳۸، دلیل بر لزوم عصمت امام آمده است؛ بنابراین ایشان فقط توفیق نوشتن مقدمه را پیدا کرده و دو مقاله شامل دوهزار دلیل و خاتمه به دست ما نرسیده و یا نگاشته نشده است. گواه این مطلب پیدا شدن نسخه ای از الفین است که تحریر سال ۱۰۹۲ق است. در آن نسخه پس از تمام شدن، ۱۰۲۲ دلیل بر عصمت امام آمده است: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله واجب الوجود... اما بعد یقول اضعف عباد الله الحسن بن یوسف بن المطهر لما فرغت من تحریر الف دلیل علی عصمة الامام من کتاب الالفین الفارق بین الصدق و العین فی المقدمة شرعت الان المقصود وهو اثبات امامة علی علیه السلام بالف دلیل و الالف الاخری ابطال شبهة المبطلین...»

سپس در این نسخه با عنوان البرهان الاول... البرهان الثانی... تا

حسن بن یوسف بن مطهر معروف به علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶) تألیفات فراوانی در رشته های فقه، اصول، تفسیر، حدیث، رجال، منطق، کلام، فلسفه و غیره دارد. از آثار ایشان تا کنون صدویست اثر شناسایی شده است. از این تعداد، حدود شصت کتاب و رساله هستند که نسخه های خطی در کتابخانه ها موجود می باشد و نیز حدود چهل عنوان آن چاپ شده است.

این نسخه در کتابخانه علامه سمنانی بوده که به کتابخانه آستان قدس رضوی منتقل شده است.

بنابراین اینکه در کتاب های متعدد گفته شده که علامه می خواست دوهزار دلیل بنویسد؛ اما هزار اول و

بخشی از هزار دوم را نوشته و یا به دست ما رسیده است، اشتباه است؛ بلکه مقدمه را نوشته و پس از اتمام مقدمه که خود شامل ۱۰۲۱ یا ۱۰۳۸ دلیل بر عصمت امام است، به هزار دلیل اول از ادله اثبات امامت علی (علیه السلام) شروع و از این هزار فقط ۱۳ دلیل پیدا شده و بقیه نانوشته مانده و یا به دست ما نرسیده است.

۳. فراوانی نسخه های خطی کتاب الفین در کتابخانه ها گواه خوبی بر مطرح بودن آن در حوزه های علمیه بوده است. در فهرستواره دست نوشته های ایرانی^۲ بیش از شصت نسخه آن یاد شده و ممکن است نسخه های متعدد دیگری نیز در داخل و خارج ایران موجود باشد.

تاریخ کتابت این نسخه ها از سده دهم تا سده سیزدهم است و آخرین نسخه تاریخ داری که در این فهرستواره یاد شده به خط محمدتقی بن معصوم بن محمد حسن قزوینی^۳ مورخ ۱۲۶۵ق است. گفتنی است که

۲. ج ۲، ص ۱۲۶.

۳. ابن محمد بن حسن قزوینی، همان مؤلف تألیفات فراوان از جمله کشف الغطاء است که به گفته برخی از بزرگان یکی از بهترین کتابهای اخلاقی است و چند سال قبل در قم چاپ شده است.

ناراحت شدم. من تورا به خدا سپرده‌ام و اوست سند من لا سند له و جازالمسیء بالاحسان... سپس گفتم ای آقای من در دلیلی از کتاب الفین برای اثبات عصمت ائمه شکی برابم پیدا شده است. فرمود: به چه جهت؟ گفتم: به دلیل اینکه این دلیل خطابی است نه برهانی. فرمود: بلکه برهانی است و توضیح داد. و در پایان گفت برتوباد تمسک به ولایت امامان دوازده گانه. فانها الصراط المستقیم والدين القويم. هذه وصیتی الیک والله خلیفتی علیک... .

مشروح این روای صافه با توضیحات را می‌توانید در کتاب روضات الجنات در ذیل شرح حال فخرالمحققین ملاحظه فرمایید.

در اینجا مناسبت است خواب دیگری که در مورد کتاب الفین است و برخی از بزرگان آن را بی‌اساس می‌دانند یاد شود. صاحب روضات الجنات در ذیل شرح حال فخرالمحققین می‌نویسد: در برخی نوشته‌های معتبر آمده: فخرالمحققین پدر خود را خواب دید. پس از احوال آخرت پرسید. علامه جواب داد: لولا کتاب الالفین و زیارة الحسين علیه السلام لاحترقنتی الفتاوی فالویل ثم الویل للقضاة واصحاب الفتیانجر العالمین منهم العالمین.

اما صاحب کتاب قصص العلماء در ذیل شرح حال سید مجاهد می‌نویسد: سید محمد مجاهد کتابی به نام اغلاط مشهوره دارد در آن کتاب نوشته از آن جمله اغلاط مشهوره آن است که فخرالمحققین پدر علامه حلی، پدر بزرگوارش را بعد از وفات در خواب دید و از او سؤال نمود که با تو بعد از رحلت چه معامله نمودند؟ علامه در جواب فرمود: لولا الالفین و زیارة الحسين لهلکتنی الفتاوی. الفین اسم یکی از تألیفات علامه است که در اثبات خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بلافضل نوشته و در آن کتاب دو هزار دلیل^۸ بر این مطلب اقامه نموده است و در هر شب جمعه علامه به کربلا می‌رفت و امام حسین را زیارت می‌کرد.

مرحوم آقاسید محمد نوشته است که این حکایت مجعول است؛ زیرا به حکم عقل قاطع در این ازمنه که زمان انسداد است؛ باید استنباط احکام را غالباً به مظنه کرده باشیم، علاجی و رای آن نداریم و معلوم است که ظن گاهی خطا و گاهی صواب است. پس فتاوی علامه چرا او را هلاک می‌کرد. پس این حکایت اتفاق نیفتاده است. پایان کلام صاحب قصص العلماء.

۴. در فهرست کتاب‌های چاپی عربی^۹ از پنج چاپ الفین یاد شده به این ترتیب:

- چاپ سنگی رحلی، ۱۲۹۶ ق.
- چاپ سنگی خشتی، ۱۲۹۸ ق.

و در پایان نسخه چنین آمده: غرة رمضان المبارک ۷۱۲ و کتب حسن بن المطهر قدس الله روحه... ببلدة جرجان فی صحبة السلطان الاعظم غیاث الدین محمد اولجایتو خلد الله ملکه.

سپس این عبارت آمده است: و فرغ من تبییضها... فخرالدین ابن المصنف سنة ۷۵۴ ببلدة الحلة: (یا بالحضرة الشریفة الغرویة صلوات الله علی مشرفها).

و در برخی نسخه‌ها آمده: در سال ۷۵۷ ق یحیی فرزند فخرالمحققین از روی نسخه تحریر پدرش نوشته است.

بنابراین سال پایان تألیف ۷۱۲ ق و سال پایان کار فخرالمحققین ۷۵۴ ق و سال تحریر یحیی ۷۵۷ ق می‌باشد.

یادآور می‌شوم که یحیی فرزند فخرالمحققین در اعلام الشیعه این‌گونه معرفی شده است:

«ابوالمظفر یحیی بن فخرالمحققین... از شاگردان پدرش فخرالمحققین بوده و جمله‌ای از تصانیف جدش علامه حلی را نوشته است. یکی از آنها «خلاصة الاقوال» است که اجازه پدرش به او در آن نسخه بوده و برخی از نسخه‌های خلاصة الاقوال از روی نسخه به خط او نوشته شده است. و صورت اجازه فخرالمحققین به او در مستدرکات اجازات بحار تألیف میرزا محمد طهرانی عسکری می‌باشد»^۵.

و در ذریعه^۶ فرموده تاریخ این اجازه ۱۹ ذیحجه ۷۴۷ ق است.

این یادآوری هم لازم است که همه یا بخشی از کتاب الفین را فرزند مؤلف، فخرالمحققین سامان دهی کرده و اصل تألیف یا بخش‌هایی از آن به صورت یادداشت‌هایی در اختیار فخرالمحققین بوده است.

خوابی که در ذیل نقل می‌شود، گواه این مطلب است:

در برخی نسخه‌ها بعد از دلیل ۱۵۱^۷ در متن یا در حاشیه نسخه این روای صافه از فخرالمحققین یاد شده است: محمد بن حسن بن مطهر حلی گوید: چون در تاریخ ۱۱ جمادی الاخرة سال ۷۲۶ ق که در حدود آذربایجان بودم و در ترتیب این کتاب به این دلیل (۱۵۱) رسیدم، به ذهنم خطور کرد که این دلیل خطابی است و برای مسائل برهانی صلاحیت ندارد؛ از این‌رو از نوشتن آن خودداری کردم. در همان شب پدرم (رحمة الله) را در خواب دیدم... پس به شدت گریه کردم و از کمی یاور و کثرت دشمن و دوری از برادران و زیادی دشمنی‌ها و تواتر دروغ و بهتان‌ها که باعث شده جلاء وطن کرده و به سرزمین آذربایجان فرار کنم، شکایت نمودم. او گفت: به گفتارت ادامه مده که بسیار

۵. سده هشتم، ص ۲۴۰.

۶. ج ۱، ص ۲۳۷.

۷. در یکی از چاپ‌های الفین به جای ۱۵۱، ۱۶۲ یاد شده که ظاهراً اشتباه است.

۸. هزار و چند دلیل در لزوم عصمت امام صحیح است.

۹. تألیف خانبابا مشار در حرف الف.

- چاپ سنگی وزیری، ۱۲۹۸ ق.

- چاپ نجف سربی رقی، ۱۳۷۲ ق. با حواشی مرحوم محمدحسین مظفر.

- چاپ تهران سربی، ۱۳۶۰ ش. درمطبعه پاکتچی در ۱۴۹ صفحه که ظاهراً این آخری اشتباه است.

در تعلیقات کتاب مکتبه العلامة الحلی، افزون بر آنچه در بالا نقل شد، چاپ ۱۲۶۸، تکرار چاپ ۱۲۹۶، که ظاهراً هر دو اشتباه است، چاپ نجف ۱۳۸۸ ق با مقدمه سید محمد مهدی خراسان، چاپ ۱۴۰۲ بیروت و ۱۴۰۹ قم افست از چاپ بیروت آمده است.

اما چاپ‌هایی که اینجانب دیده‌ام به این شرح است:

- چاپ سنگی رحلی ۱۲۹۶ ق به خط علی اکبر در ۱۸۵ صفحه، از روی نسخه‌ای که بی واسطه یا با واسطه به خط همان یحیی فرزند فخرالمحققین بوده است. این نسخه از کتابخانه استاد ما آیت الله حاج آقا حسن فرید اراکی بوده که به وصیت ایشان کتاب‌های چاپی ایشان به کتابخانه مسجد اعظم قم و نسخه‌های خطی آن به کتابخانه آستان قدس رضوی داده شد.

- چاپ سنگی وزیری ۱۲۹۸ ق به خط محمد هاشم بن الحسین در ۲۸۲ صفحه از روی نسخه‌ای که بی واسطه یا با واسطه به خط همان یحیی بوده است. این نسخه از کتاب‌هایی است که آیت الله العظمی بروجردی به کتابخانه مسجد اعظم قم هدیه کرده است.

- چاپ سنگی خشتی ۱۲۹۷-۱۲۹۸ ق به خط احمد اصفهانی بدون شماره صفحه.

- چاپ حرفی نجف ۱۳۷۲ ق با مقدمه شیخ احمد وائلی و تعلیقات شیخ محمدحسین مظفر.

- چاپ حرفی بیروت ۱۴۰۲ ق با همان تعلیقات مرحوم مظفر.

- چاپ ۱۴۰۵ در قم افست همان چاپ بیروت.

- چاپ ۱۴۲۳ در قم در دو جلد با پاورقی‌های سودمند و فهارس متعدد.

۵. کتابی به نام مستدرک الالفین تألیف آیت الله شیخ محمد جرار حسین هندی متوفای ۱۳۶۹ ق که تاریخ تألیف آن ۱۳۶۱ ق و تاریخ پاکتویس و تجدید نظر ۱۳۶۹ ق و تاریخ پاکتویس مجدد توسط پسرخواهر مولف صابر حسین مولوی کاظمی ۱۴۰۰ ق است. در سال ۱۴۱۹ در ۴۳۲ صفحه چاپ شده است.

در این کتاب برای اثبات امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام به حدود هزار آیه از حدود هفتاد سوره قرآن از حمد تا عصر، استدلال شده است.

در کتاب الفین هم حدود ۵۵۰ آیه ذکر شده است؛ اما در این کتاب به همه آیاتی که در الفین آمده استدلال نشده و به آیاتی که در کتاب الفین

نیست هم استدلال شده است.

مؤلف می‌گوید: «طریق استدلالی غیر طریق العلامة الحلی». نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مسجد اعظم قم است.

و در کتاب مکتبه العلامة الحلی آمده است:

«الفین ترجمه فارسی دارد به نام «محمود الفریقین فی ترجمه الالفین» و نیز بعضی از دانشمندان الفین را به نظم درآورده‌اند و نسخه آن در نسخه‌های خطی وزارت ارشاد ایران موجود است».

و نیز ترجمه‌ای به نام نورالعین فی ترجمه الالفین وجود دارد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی قم و نیز کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

متأسفانه نسخه‌ای از محمود الفریقین سراغ نداریم و نیز نظم الفین با محتوای ویژه‌ای که دارد به نظر غیرعادی می‌آید. حتماً باید نسخه آن ملاحظه شود که فعلاً در دسترس اینجانب نبود.

۶. نورالعین فی ترجمه الالفین

دو نسخه از این کتاب یکی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دیگری در کتابخانه آیت الله مرعشی است. متأسفانه چون هر دو نسخه از آغاز نقص دارد، مولف شناخته نشد؛ اما در برگ موجود از اوائل کتاب آمده که این کتاب به درخواست شاه طهماسب حسینی صفوی بهادرخان ترجمه شده است. عبارتش این است:

چون از تأییدات آن حضرت با وجود شغل سلطنت آن است که اکثر اوقات خجسته غایات مصروف می‌فرماید به مباحث علوم دینی و مطالعه فنون یقینیه امر عالی اعلیٰ عزادار یافت به ترجمه کتاب الفین متعه الله به فی الدارین که از بدایع تألیفات حضرت من خصه الله تعالی بالموهب العلیه والمراتب الجلیه افضل المجتهدین واکمل الکاملین... (بقیه عبارت از نسخه افتاده).

این ترجمه نثری مقبول دارد و مترجم آن از فضل لازم برخوردار بوده و اگر مترجمان جدید دست‌کم این نسخه را دیده و از آن بهره می‌بردند یا همان را آماده چاپ می‌کردند، مبتلا به اشتباهات فراوان که بخشی از آنها را یاد خواهیم کرد نمی‌شدند.

اکنون برای آشنایی با نثر این ترجمه قدری از آن را می‌آوریم.

علامه حلی در بحث سوم مقدمه گفته است: بحث از لزوم عصمت برای امام و بیان دلیل‌های آن دارای مبادی هجده‌گانه است که باید باتوجه و قبول آن مبادی از طرف مخالفان، به استدلال پردازیم و آن مبادی را به این شرح بیان می‌کند.

خواص است و این ظاهراست و نقل نشده که در وقتی از اوقات روزگار همه مردمان را قوه قدسیه برقرار باشد.

اگر همین بخش از ترجمه با دو ترجمه جدید مقایسه شود، روشن می‌شود که چه اشتباهاتی در آن دو ترجمه پیش آمده است.

۷. و اما ترجمه‌های جدید

در سال ۱۳۵۳ ش آقای جعفر بن حسن وجدانی که از قضات دادگستری و سپس وکیل دادگستری بود، با نیت خدمت به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) کتاب الفین را به فارسی ترجمه کرده. این ترجمه مقدمه‌ای مفصل و مؤخره‌ای سودمند و نیز افزودن کتابی دیگر از تألیفات مترجم که موضوعش آیات قرآن مجید در فضائل اهل بیت است و نیز افزودن مطالب متفرقه‌ای در ۱۰۵۱ صفحه وزیری ظاهراً در همان سال‌های ۵۳ - ۵۴ ش در تهران چاپ شده است.

روشن است که این عزیز برای سامان دادن به این ترجمه و ضمیمه‌های آن در حد توان خود کوشش کرده و باید از او سپاسگذار باشیم؛ اما متأسفانه در ترجمه کتاب الفین آن طور که شایسته بوده توفیق نداشته و ضعف و نقص و اشتباهات آن کم نیست و مقصود ما هم در این نوشتار بررسی این ترجمه که سال‌ها قبل چاپ شده و مترجم هم روحانی و به اصطلاح حوزوی نبوده است، نیست.

اما آنچه موجب تأسف فراوان است این است که سال گذشته؛

- ▼ در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایرانی بیش از شصت نسخه از الفین یاد شده و ممکن است نسخه‌های متعدد دیگری نیز در داخل و خارج ایران موجود باشد. تاریخ کتابت این نسخه‌ها از سده دهم تا سده سیزدهم است و آخرین نسخه تاریخ‌داری که در این فهرستواره یاد شده به خط محمدتقی بن معصوم بن محمدحسن قزوینی مورخ ۱۲۶۵ق است.

یعنی سال ۱۳۹۱ که حدود چهل سال از نشر آن ترجمه می‌گذرد، یکی از حوزویان (آقای رحمتی شهرضا) با کم‌وزیادکردن و به اصطلاح ویراستاری با پیروی از همان ترجمه، گرفتار اشتباهات فراوان شده و ترجمه جدیدی در قم چاپ کرده است. در پیروی از ترجمه جناب آقای وجدانی، آنقدر بی‌احتیاطی شده که بین بحث ششم و هفتم کتاب در ترجمه آقای وجدانی، چند صفحه اشتباهاً حذف شده که ایشان هم بدون دقت که در این میان چند صفحه افتادگی است، همان عبارات ایشان را تکرار کرده است. ایشان اگر درست‌کم به اصل عربی کتاب رجوع می‌کرد، گرفتار این اشتباه فاحش نمی‌شد. افزون بر این برخی از غلط‌های چاپی آن ترجمه نیز در این ترجمه تکرار شده است.

برخی از اشتباه‌های ترجمه جناب آقای محمد رحمتی شهرضا عبارتند از: روی جلد آن نوشته شده: متن و ترجمه کتاب شریف الفین، با اینکه

آن مبادی هجده است:

اول: به درستی که عالم پیدا کرده شده است و خدای تعالی پیداکننده^۱ اوست.

دوم: باری تعالی واجب‌الوجود لذاته است؛ یعنی ذات او تقاضای وجودش کرده ازلاً.

سوم: او قادر است بر همه مقدرات.

چهارم: او عالم است به جمیع معلومات.

پنجم: بی‌نیاز است از هر چه غیر ذات اوست.

ششم: خواهنده طاعات است.

هفتم: ناخواهنده معاصی است.

هشتم: اخلاص نمی‌نماید به واجبات و نمی‌کند زشتی‌ها و مقبحات و نمی‌خواهد آن را به هیچ جهتی از جهات.

نهم: به درستی که باری تعالی تکلیف می‌فرماید، بندگان را به مصالح ایشان به قدر وسع و گنجایش ایشان.

دهم: به درستی که واجب است بر خدای تعالی الطاف.

یازدهم: به درستی که حق جل و علاقیام نموده به الطاف واجبه بر او از آنچه متعلق است به تکالیف بندگان.

دوازدهم: به درستی که باری تعالی ازاله فرموده علت‌های ایشان را که نیست غرض او در آن مگر احسان به ایشان و افاضه نعمت‌ها بر ایشان.

سیزدهم: به درستی که خدای عزوجل تکلیف نموده بندگان را به وجه افضل و رسانیدن به آن تکلیف، ایشان را به ثواب اجزل.

چهاردهم: به درستی که حق سبحانه و تعالی فرستاده حضرت محمد را صلوات الله علیه و آله المعصومین به رسالت و عصمت که قیام نماینده است به حق و گوینده است به صدق.

پانزدهم: به درستی که حضرت ذی‌الجلال انزال فرموده بر او کتاب عزیز که قرآن است که نیست در آن هیچ باطل از پیش وی و پس وی؛ یعنی از هیچ وجه و جهت سمت بطلان بروی راه ندارد و آن فرستاده‌ای است از خداوند دانای ستوده و منسوخ گشته به شریعت او جمیع شریعت‌ها و به سنت او همه سنت‌ها و آن باقی خواهد ماند تا روز قیامت.

شانزدهم: به درستی که حضرت رسول معصوم است از زلزله و خلل و از خطا و نسیان.

هفدهم: به درستی که لطف واجب است بر خدای تعالی در واجبات هرگاه که آن خاصه از فعل باری تعالی باشد.

هجدهم: به درستی که حق جل و علا پیدا نکرده^۲ برای همه مردمان قوه قدسیه را تا علوم ایشان علوم فطریه باشد و همیشه قوه وهمیه و شهویه و غضبیه مغلوب ایشان باشد، بلکه این قوه قدسیه مخصوص طائفه

۱. پیداکننده یعنی پدید آورنده.

۲. یعنی خلق نکرده، پدید نیآورده.

وجه دوم تبدیل می‌کنیم «اصالت» را به «نیابت از نبی». پس نقض مندرج شد و بعضی گفته‌اند که امامت عبارت است از خلافت شخصی از اشخاص مرسل را در پای داشتن شرع و سنت و نگاه داشتن حوزه ملت بروجعی که واجب گردد پیروی او بر همه امت و جنس بعیدش اضافه است.

متأسفانه همان عبارت را حضرت آقای جعفر وجدانی این طور ترجمه کرده است:

این کتاب را مرتب و منظم نمودم از یک مقدمه و دو مقاله و یک خاتمه که مقدمه اش شامل چندین بحث است:

بحث اول: امام چیست؟ امام آن انسانی است که ریاست عمومی تام داشته باشد در کلیه امور دین و دنیا اصالتاً به طور راستی و حقیقت و جامع در دنیا به نص صریح پیغمبر (ص) که به دو وجه جواب می‌دهیم.

وجه اول خداوند بزرگ فرموده: للناس اماما؛ یعنی برای مردم پیشوایی قرار دادیم که این دخول دال بر لزوم پیشوا اعم از پیغمبر و امام برای مردم است بنا بر تعریفی که در بحث اول شد.

وجه دوم: امام باید به نص و معرفی پیغمبر باشد و پیغمبر به معرفی از جانب خداوند بزرگ.

و نیز گفته شده: امامت عبارت از جانشینی پیغمبر است به معرفی پیغمبر برای برقراری و حفظ قوانین شرع و حفظ محیط ملت اسلامی به نحوی که بر همه ملت لازم است که از او اطاعت نمایند.

و جنسها البعید الاضافة. از نقطه نظر علمی چنین عبارتی آورده شده یعنی به نیابت از پیغمبر عمل نماید.

و اما بنگرید به ترجمه جناب آقای محمد رحمتی شهرضا:

این کتاب را بر یک مقدمه و دو مقاله و یک خاتمه مرتب نمودم. مقدمه اش شامل چندین بحث است:

بحث اول: امام کیست و امامت چیست؟

امام کسی است که رهبری همه مردم را در همه امور دین و دنیا طبق سنت پیامبر بر عهده داشته باشد که من به دو صورت آن را تبیین می‌کنم.

صورت اول: خداوند بزرگ فرموده: للناس اماما یعنی برای مردم رهبری قرار دادیم که این نشان دهنده لزوم رهبر اعم از پیامبر و امام برای مردم است.

صورت دوم: امام باید به نص و تصریح و معرفی پیامبر باشد و پیامبر از جانب خداوند بزرگ او را معرفی کرده باشد.

و نیز گفته شده: امامت عبارت از جانشینی پیامبر است که

متن در این چاپ نیست. روی جلد نوشته شده: ترجمه و تحقیق محمد رحمتی شهرضا، با اینکه ترجمه است نه تحقیق و اساس ترجمه هم غالباً از ترجمه جناب آقای وجدانی است با تصرف‌ها و به اصطلاح ویراستاری.

آن طرف جلد چاپ شده: کتاب الفین دو هزار حدیث که نیست چند تا روایت در مورد ولایت و چند تا روایت در مورد کسانی است که می‌گویند ولایت و تشیع نه... روشن است که این مطلب گرچه از برخی بزرگان معاصر نقل شده؛ اما بی‌شک اشتباه است؛ زیرا کتاب الفین کتاب حدیثی نیست.

از این جزئیات صرف نظر و در خود ترجمه دقت می‌کنیم و به اشتباهات فراوان برمی‌خوریم که نمونه‌ای از آنها را در ذیل نقل می‌کنیم. کتابی که به فارسی ترجمه می‌شود باید برای هر خواننده یا خواننده دانشمند مفهوم باشد؛ در حالی که بسیاری از موارد این کتاب به دلیل عدم توانایی مترجم به گونه‌ای ترجمه شده که مفهوم نیست و مراد مؤلف روشن نشده است.

علامه حلی در دیباچه کتاب الفین می‌نویسد: و قدر تبتّه علی مقدمه و مقالاتین و خاتمه اما المقدمة فیها مباحث: البحث الاول: ما الامام؟ الامام هو الانسان الذی له الرئاسة العامة فی امور الدنيا والدین بالاصالة فی دار التکلیف. و نقض بالنبی و اجیب بوجهین: الاول التزام دخوله فی الحد لقله تعالی: انی جاعلک للناس اماماً. الثانی تبدیل قولنا بالاصالة بالنیابة عن النبی.

وقیل: الامامة عبارة عن خلافة شخص من الاشخاص للرسول فی اقامة قوانین الشرع و حفظ حوزة الملة علی وجه یجب اتباعه علی الامة كافة و جنسها البعید الاضافة.

ترجمه این عبارت از کتاب نورالعین که در سده دهم نگاشته شده این است:

ترتیب دادم این کتاب را بر مقدمه و دو مقاله و خاتمه. اما مقدمه. پس در او چند مبحث است: مبحث اول آنکه امام عبارت از کیست؟ بدان که امام انسانی است که باشد مراو را ریاست عامه در امور دین و دنیا به اصالت در دار تکلیف که دنیا است و این حد منقوض می‌گردد به نسی چه این حد براو صادق است و جواب این داده می‌شود از دو وجه:

اول التزام دخول نبی است در حد همچون فرموده حق جل و علا که انی جاعلک للناس اماماً خطاب به حضرت ابراهیم است (علیه السلام) یعنی به راستی که من گردانیدم تورا برای مردمان امام و پیشوا یعنی کسی که به او اقتدا کنند در امور و اصول دین پس هر نبی امام باشد.

حاصل می‌شود، پس وجود معصوم لازم و ثابت است و این همان مقصود ما است.

ترجمه صحیح: این آیه عام است در دلائل و ازمینه و بیان مجمل و مشترک و به درستی که این به حصول علم است و الا بیان نباشد و این علم حاصل نمی‌شود مگر به قول معصوم پس او ثابت باشد و این مطلوب است.

- دلیل ۱۱۲: و ما الله یزید ظلماً للعباد^{۱۴} و الامور به مراد علی ما ثبت فی الاصول و کلام الاشاعرة قد ابطلناه فی کتبنا الاصولیة فمحال ان یامر بطاعة غیر المعصوم لانه قد یامر بالظلم للعباد والامام امر الله بطاعته فلا شیء من غیر المعصوم بامام.

ترجمه ناقص و غلط: بنا بر فرمایش این آیه، محال است که خداوند به اطاعت از غیر معصوم دستور دهد؛ زیرا در این صورت ممکن است که دستور به ستم نسبت به بندگانش نماید؛ به همین دلیل خداوند دستور به اطاعت از امام معصوم داده است. پس به هیچ وجه جایز نیست که غیر معصوم امام بوده باشد.

ترجمه صحیح: همان طور که در علم اصول فقه ثابت شده «مامور به» مراد الهی است و اینکه اشاعره گفته‌اند «مأمور به» ممکن است مراد

الهی نباشد را در کتاب‌های اصول فقه خود باطل کرده‌ایم؛ پس محال است خداوند امر کند به اطاعت از غیر معصوم.

- دلیل ۱۱۸: اطیعوا الله والرسول لعلکم ترحمون^{۱۵} والامام المعصوم لطف فی هذا التکلیف

وفعله موقوف من جهة العلم والعمل كما تقدم تقریره والا لناقض الغرض وهو علی الحکیم محال.

ترجمه غلط: در این تکلیف پیروی از امام معصوم لطف است و عمل بندگان بستگی به علم و عمل امام معصوم دارد پس وجود امام معصوم برای راهنمایی واجب است.

ترجمه صحیح: امام معصوم لطف است در این تکلیف و انجام این تکلیف موقوف است بر معصوم از جهت علم و عمل همان طور که تقریر آن در دلیل‌های قبلی گذشت.

- دلیل ۱۳۰: یخفون فی انفسهم ما لا یبدون لک^{۱۶} هذه صفة ذم تقتضی عدم جواز اتباع من یمکن منه ذلک و هو غیر المعصوم.

پیامبر این جانشین را معرفی می‌کند تا قوانین شرع را حفظ و برقرار نماید و جامعه اسلامی را حفظ کند به طوری که بر همه مردم لازم است که از او اطاعت نمایند و به نیابت از پیامبر به دستورات و فرامینش عمل نمایند.

ظاهر است که این دو مترجم محترم معنی عبارت را و اینکه تعریف امام منقوض است به نبی، یعنی مانع اغیار نسبت را، ندانسته و به جوابی که داده شد توجه نداشته، بلکه به سلیقه خود مطلب دیگر را مطرح کرده‌اند.

علامه (رحمة الله علیه) فرموده:

- دلیل هفدهم: الله عزوجل هو الناصب للامام و من یعلم فساد نصبه قبیح عقلاً و الله تعالی لا یفعل القبیح فلا بد ان یکون الامام معصوماً.

ترجمه غلط: چون خداوند عزوجل امام را تعیین می‌فرماید، پس هر کس را که بداند تعیین او موجب فساد می‌گردد و انتخاب او اشتباه است، تعیین نخواهد نمود؛ چون خداوند کار نادرست انجام نخواهد داد.

ترجمه درست: خداوند عزوجل نصب‌کننده امام است و نصب کسی را که می‌داند معصوم نیست، عقلاً قبیح است و خدای تعالی کار قبیح انجام نمی‌دهد؛ پس حتماً امام باید معصوم باشد.

- دلیل ۱۰۸: و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها^{۱۷} و ذلک انما هو بخلق اللطف المقرب الی الطاعة والمبعد عن المعصية وهو الامام المعصوم فی کل عصر و هو المطلوب.

ترجمه غلط: ... چنین چیزی فقط به خاطر لطفی است که اطاعت از خدا و دوری از گناه انسان را مشمول آن می‌کند و فقط با وجود امام در هر زمانی اتفاق می‌افتد.

ترجمه صحیح از نسخه خطی سده دهم: و حصول این به خلق لطف بود که نزدیک گرداننده است به طاعت و دور سازنده از معصیت و آن امام معصوم است در هر عصر و این مطلوب است.

- دلیل ۱۰۹: کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون^{۱۸} هذه عامة فی کل الایات و فی الازمنة، و بیان المجمل والمشترک انما هو بحصول العلم و الالم یکن بیانا و ذلک انما یحصل بقول المعصوم فیثبت و هو المطلوب.

ترجمه غلط: این معنی در همه نشانه‌ها پس از آگاه شدن است و گرنه روشنایی حاصل نخواهد شد. این روشنایی فقط به وسیله معصوم

۱۴. غافر، ۳۱.

۱۵. آل عمران: ۱۳۲.

۱۶. آل عمران: ۱۵۴.

۱۲. آل عمران: ۱۰۳.

۱۳. آل عمران: ۱۰۲.

گناهکار چنین نیست، پس امام گناهکار نیست. ترجمه درست: امام اقامه کننده شرع است که وادار می کند به عمل به آن دائماً و هیچ عاصی چنین نیست مادام که عاصی است، پس هیچ امام عاصی نباشد و اما صغری پس آن ظاهر است؛ زیرا که غایت و غرض از امام این است و اما کبری پس از آن ظاهر است.

- دلیل ۴۸۸: انما وجب الامام لكونه لطفاً في التكيف مقرباً الى الطاعة مبعداً عن المعصية فيستحيل ان يكون بضد ذلك وغير المعصوم لا يستحيل ان يكون بضد ذلك فيستحيل ان يكون الامام غير معصوم.

ترجمه صحیح: لزوم امام به خاطر این است که او لطف است در تکلیف؛ یعنی نزدیک کننده مردم است به طاعت و دور سازنده است از معصیت. پس محال است که ضد لطف باشد و محال نیست که غیر معصوم عمل کند به ضد آن و مردم را به معصیت نزدیک کند، پس محال است که امام غیر معصوم باشد.

ترجمه غلط: فقط واجب شده که امام در تکلیف و مقرب بودن او به اطاعت و دور بودن او از معصیت لطف باشد، پس محال است که بر ضد آن باشد و محال نیست که غیر معصوم بر ضد آن باشد، پس محال است که امام غیر معصوم باشد.

در پایان این مقاله بار دیگر یادآور می شوم که کسی که توانایی ترجمه کردن ندارد، نباید متصدی آن شود؛ به ویژه اگر موضوع معارف دینی باشد و بالاخص اگر مترجم از حوزویان باشد.^{۲۰}

ترجمه غلط: این صفت ظنی است که ممکن است از غیر معصوم سر بزند و در این صورت پیروی او جایز نیست، پس وجود معصوم لازم است. ترجمه صحیح: این صفت مذموم مقتضی آن است که پیروی غیر معصوم که این صفت از او ممکن است، جایز نباشد.

- دلیل ۳۷۹: الامام شريك القرآن في آيات الاحكام فانه لما كانت الاحكام غير متناهية والكتاب والسنة متناه فلم يمكن للمجتهد علم الاحكام فلذلك احتيج الى الامام تحقيقاً للمساوات من هذا الوجه فكان الامام معصوماً.

ترجمه غلط: امام در آیات و احکام شریک قرآن است؛ زیرا آیات احکام شرعی غیر متناهی است ولی اگر بگوییم مجتهدین همه چیز را بدانند، باز هم محتاج به امام هستند و باید چنین امامی همه مسائل قرآنی و غیر مرقوم در قرآن را بدانند و غیر معصوم نمیتواند چنین باشد.

ترجمه صحیح: به نقل از نسخه خطی سده دهم: امام شریک قرآن است. در اظهار احکام چه به درستی که احکام غیر متناهی است و کتاب (و سنت) متناهی، پس ممکن نیست مجتهد را دانستن احکام از آن، پس از این جهت محتاج اند به امام و همچنان که ممتنع است بر قرآن امر باطل. همچنین ممتنع است بر امام به جهت تحقق مساوات از این وجه پس امام (باید) معصوم باشد.

دلیل ۳۸۲: لولم يكن الامام (ع) معصوماً لزم العبث والتالي باطل فالمقدم مثله. بيان الملازمة ان الغاية هو ارتفاع جواز الخطاء فاذا لم يرتفع ذلك لم يحصل الغاية فيكون ايجابه عبثاً.

ترجمه غلط: اگر امام معصوم نباشد انتخاب^{۱۷} لازم می آید و نتیجه^{۱۸} باطل است پس مقدم نیز مثل آن است.

بیان ملازمه: به درستی که برای نهایت او حداکثر جایز بودن برای خطا است، پس اگر این نهایت برآورده نشود و نتیجه به دست نیاید، قبولش بیهوده خواهد بود.

ترجمه صحیح: اگر امام معصوم نباشد عبث لازم می آید و تالی باطل است پس مقدم مثل او است در بطلان.

بیان ملازمه آنکه به درستی که غایت این، ارتفاع جواز خطا است، پس هرگاه جواز خطا مرتفع نشود، غایت حاصل نگردد. پس ایجاب آن عبث باشد.

- دلیل ۳۹۷: الامام مقيم للشرع حامل^{۱۹} على العمل به دائماً ولاشئ من العاصي كذلك ما دام عاصياً فلاشئ من الامام بعاص. اما الصغر فظاهر لان الغاية من الامام ذلك واما الكبرى فظاهرة.

ترجمه نادرست: امام اقامه کننده شرع است. وادار به آن عمل می کند.

۱۷. «عبث» را بعثت خوانده و به پیروی از ترجمه آقای وجدانی آن را انتخاب دانسته است.

۱۸. «تالی» را به نتیجه ترجمه کرده است.

۱۹. در نسخه ها اینطور است: حاصل علی العلم به.

۲۰. لازم است در حوزه علمیه قم برخی از کتاب های حوزوی پیش از چاپ از سوی هیأتی از استادان ارزیابی شوند تا از این راه به مؤلفان کمک شود.